



فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

دوره ۱۸، شماره ۶۰، پائیز ۱۴۰۱

نوع مقاله: علمی پژوهشی

صفحات: ۸۴-۱۰۲

جایگاه و تأثیر توسعه روانشناختی در سیاست‌گذاری عمومی ایران

میثم اسماعیل‌زاده^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۷/۲۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۲/۲۰ علی‌اشرف نظری^۲

سید مصطفی ابطحی^۳

چکیده

مقاله حاضر به جایگاه توسعه روان‌شناختی در سیاست‌گذاری عمومی ایران می‌پردازد. ضرورت این موضوع از آنجاست که تبیین یکسری عوامل روان‌شناختی، موجبات تحقق سیاست‌گذاری توسعه را رقم خواهند زد. هدف تبیین شاخص‌های توسعه روان‌شناختی در سیاست‌گذاری عمومی توسعه است. در اهمیت بحث حاضر باید گفت در بررسی نتایج حاصله از فرایند سیاست‌گذاری عمومی در ایران شاخص‌های نظیر ارزش، باور، هنجار، رفتار و عقلانیت نقش اساسی دارد. سؤال اینجاست جایگاه و تأثیر توسعه روان‌شناختی در سیاست‌گذاری عمومی چیست؟ فرضیه بیانگر است که توسعه روان‌شناختی با ایجاد و بهره‌گیری از شاخص‌های اثربخش و راهگشا نظیر ارزش، باور، هنجار، رفتار و عقلانیت در ایران می‌تواند موجبات توسعه پایدار کشور را رقم می‌زند. چارچوب نظری با الهام از نظریات نوسازی روانی، درصدد تحکیم اثبات فرضیه است. لذا با استعانت از روش توصیفی و تحلیلی و با استفاده از تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده که به روش کتابخانه‌ای می‌باشد به تبیین شاخص‌های موردنظر پرداخته شده است. نتایج نشان داد توسعه شاخص‌های ذکرشده سبب تحقق حکمرانی خوب و توسعه مبتنی بر سیاست‌گذاری‌های مطلوب در ایران می‌شود.

کلمات کلیدی

توسعه روان‌شناختی، سیاست‌گذاری عمومی، ارزش، باور، هنجار، رفتار، عقلانیت

۱- دانشجوی دوره دکتری تخصصی سیاست‌گذاری عمومی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Esmaeelzadeh.meysam@yahoo.com

۲- استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) aashraf@ut.ac.ir

۳- استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

m_abtahi@srbiau.ac

توسعه‌فرایندی است که بدون در نظر گرفتن سایر ابعاد آن یعنی توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و مهم‌تر از همه توسعه روان‌شناختی^۱ محقق نخواهد شد. در کشور ایران با توجه به ماهیت سیاست‌گذاری‌های توسعه که عمدتاً اقتصادی است، در عرصه عمل و ارزیابی با عدم کارایی بسیاری مواجه هستیم که تحقق حکمرانی خوب را نیز با مشکلات عدیده‌ای مواجه ساخته است (الوانی و کیاکجوری، ۱۳۹۶:۱۳). اهمیت برنامه‌ریزی درازمدت و دستیابی به هدف‌های توسعه آرمانی از سوی سیاست‌گذاران بر کسی پوشیده نیست به‌عنوان مثال تدوین سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی (۱۴۰۴-۱۳۸۴) در چارچوب برنامه‌های میان‌مدت پنج‌ساله و با رسالت و مأموریت‌های متفاوت خود گواه این موضوع می‌باشد اما نتایج حاصله بیانگر این امر هست که فاصله نسبتاً زیادی بین سیاست‌گذاری، توسعه و حکمرانی خوب وجود دارد. راه برون‌رفت در نهادینه نمودن فرهنگ توسعه‌پذیری از طریق تغییر نظام باورها، نگرش‌ها و ادراک‌های منسوخ‌شده و ایجاد انگیزه‌های لازم نسبت به مقوله توسعه هست. یکی از ابعاد مهم و مغفول در بررسی مطالعات توسعه در ایران مقوله توسعه روان‌شناختی است. این رویکرد تابع ارزش‌ها، هنجارها، اعتقادات، باورها، رفتارها و تعقل در هر جامعه هست، جنبه نظری و ارزشی داشته و از جامعه‌ای به جامعه دیگر و مقاطع زمانی متفاوت در حال تغییر است.

از سویی سیاست‌گذاری عمومی^۱ مفهومی است که با حکومت، دولت، جامعه و مسائل عمومی آن گره‌خورده است و تداعی‌کننده اقدام عمومی است و به دنبال بررسی عوامل مؤثر بر سیاست‌ها و تأثیر آن بر جامعه است. در تعریف دیگر مجموعه‌ای از اقدامات عقلانی است که طی فرایندی به انجام رسیده‌اند و شامل مراحل همچون تنظیم راه‌حل، اتخاذ سیاست، اجرای سیاست و ارزیابی سیاست‌گذاری‌ها هست. ماهیت نظام سیاست‌گذاری عمومی تابعی از مختصات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روان‌شناختی است و میزان موفقیت تحقق اهداف آن نیز در درون چرخه‌ای از عوامل فوق تعیین خواهد شد. از سویی حجم مطالعاتی که در سال‌های گذشته در حوزه سیاست‌گذاری توسعه صورت گرفته عمدتاً با رویکرد اقتصادی می‌باشد از همین رو یک مطالعه با رویکرد و محوریت مباحث روان‌شناختی و تأثیرات آن بر فرایند سیاست‌گذاری عمومی را ضروری کرده است. همچنین این پژوهش درصدد است به این سؤال پاسخ دهد که مدل مفهومی روان‌شناختی با عناوینی همچون: شناخت و ارزش‌ها (توسعه شناختی)، باورها (توسعه باورهای واقع‌گرایانه)، هنجارها (توسعه هنجارهای اثربخش)، رفتارها (توسعه رفتار سیاسی

جایگاه و تأثیر توسعه روانشناختی در سیاست‌گذاری عمومی ایران / اسماعیل زاده، نظری و ابطحی

مطلوب)، عقلانیت (توسعه و احصاء عقلانیت) از چه جایگاهی در سیاست‌گذاری توسعه برخوردار است؟ و بر همین اساس تلاش می‌کنیم شاخص‌های توسعه‌پذیر را از دیدگاه محقق تبیین کنیم.

پیشینه پژوهش

مطابق بررسی‌های صورت گرفته تاکنون پژوهش‌هایی در زمینه سیاست‌گذاری توسعه در ایران به انجام رسیده است که در ادامه به اهم این مطالعات می‌پردازیم.

۱- کتاب «بنیادهای تئوریک نوسازی روانی» (سعید عبدالملکی ۱۳۹۸) به مقوله‌ی توسعه‌یافتگی از زاویه روان‌شناختی می‌پردازد و به این نتیجه می‌رسد ریشه‌های توسعه را پیش از عوامل اقتصاد باید در عوامل روانی و ذهنی جستجو کرد و تأثیری که این عامل بنیادی می‌تواند در روند توسعه‌یافتگی داشته باشد را تشریح می‌کند به همین دلیل توانمندسازی روان‌شناختی فردی به‌عنوان عاملی برای پیشرفت هر جامعه مورد بررسی قرار می‌دهد.

۲- «کتاب بن‌مایه‌های توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی» (محمد ستاری فر ۱۴۰۰) نگاه همه‌جانبه‌ای به عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مؤثر در ناکامی و دست‌یابی ایرانیان به توسعه‌یافتگی می‌اندازد و به شناخت دولت نسبت به ارزش، باورها، تفکرات و قانون‌مندی جامعه به‌عنوان خالق ابعاد توسعه اشاره می‌کند.

۳- «کتاب چرا عقب‌مانده‌ایم» (علی محمد ایزدی ۱۴۰۱) به این مسئله می‌پردازد که چرا عقب‌افتاده‌ایم و در این راستا نقش عناصر مختلفی هم چون استعمارگران، ذخایر نفت، موقعیت استراتژیک، ناآگاهی و کمبود سواد و شخصیت اخلاقی ملت ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد. به تحلیل شخصیت اخلاقی ایرانیان در دو بخش شناخت انسان و آسیب‌شناسی دروغ پرداخته که هرکدام به موضوعات مختلف تقسیم‌بندی شده‌اند. وی در تبیین ریشه‌های عقب‌ماندگی جامعه ایرانی، دروغ و دروغ‌گویی را مهم‌ترین عامل این وضعیت می‌داند.

۴- همچنین کتاب «تاریخچه برنامه‌ریزی توسعه در ایران» (آل یاسین 1392) به برنامه‌ریزی توسعه در ایران اشاره نموده و مباحثی همچون نظم اداری و اجتماعی، بهره‌وری نهادهای مدنی، رشد اقتصادی و بوروکراسی منظوم کشورهای میزبان با زمینه‌های مشابه ایران به‌ویژه نابسامانی اجتماعی، کندی پیشرفت اجتماعی، کندی پیشرفت توسعه، اقتصاد ناپایدار، کم‌کاری نهادهای مدنی، بوروکراسی ناکارآمد، فقدان کارکرد سیستم به‌جای فرد و منش و خلیقات نامطبوع ایرانی را تشریح کرده است.

۵- روانشناسی سیاسی (پاتریک هاوتن ۱۳۹۸) با طرح دیدگاه عقلانیت محض و عقلانیت محدود و ایجاد دو مدل انسان اقتصادی (عقلانیت محض) و انسان روان‌شناختی (عقلانیت محدود) و برشمردن ویژگی‌های هر یک و با ذکر مصادیق متعدد تأثیر آن را بر تصمیمات و رفتار سیاستمداران و سیاست‌گذاران مورد مذاقه قرار می‌دهد.

۶- تقی‌لو (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان موانع نظری تحقق الگوی بومی توسعه در ایران معاصر دیدگاه‌های مختلف درباره موانع توسعه‌نیافتگی نشان داد که شناخت علل و موانع توسعه و ارائه الگوی مناسب درباره آن در جوامع مختلف نیازمند توجه به تفاوت‌های تاریخی، اعتقادی، فکری، فرهنگی و همچنین شرایط محیطی و ساختارهای متفاوت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است که مستلزم انواع متفاوتی از الگوهای توسعه و هستند.

قابل‌ذکر است تحقیقات زیادی با رویکردها و روش‌های مختلف فرایند سیاست‌گذاری توسعه را موردبررسی قرار داده است، بعضی از آنها علل و عوامل خارجی و بعضی دیگر موانع داخلی را علت توسعه‌نیافتگی می‌دانند که به شناخت و درک ماهیت فرایند سیاست‌گذاری عمومی توسعه در ایران کمک می‌نماید و اشاراتی هم به رابطه متغیرهای شناختی مانند ارزش‌ها، باورها و عقلانیت با نظام سیاست‌گذاری نموده‌اند اما رویکرد روان‌شناختی می‌تواند موضوع جدیدی در این زمینه باشد که در ادامه با پنداشت جامع‌تر به آن می‌پردازیم.

تعاریف مفاهیم

در بررسی تعاریف مفاهیم برخی از متغیرهای اساسی‌تر که می‌تواند (جایگاه توسعه روان‌شناختی در سیاست‌گذاری عمومی و توسعه پایدار ایران) را تبیین کنند عبارت‌اند از:

الف) توسعه روان‌شناختی:

توسعه روان‌شناختی پیش‌زمینه اصلی برای بسترسازی توسعه را رقم می‌زند. این رویکرد تحت عنوان «نوسازی توسعه» شناخته شده است و متأثر از متفکران مکتب نوسازی هست و به عوامل داخلی و درونی افراد همچون خلیات و باورها، عوامل ذهنی و شخصیتی که تعیین‌کننده رفتار افراد به‌خصوص در حوزه رفتارهای سیاسی مدنظر قرار می‌دهد و اشاره به نوعی تحرک روانی یا ذهنی دارد که در آن افراد ویژگی‌های روانی، ارزشی، انگیزشی و اعتقادی تازه‌ای را کسب می‌کنند. (عبدالملکی، ۱۳۹۸: ۴۷) دانیل لرنر، الکس اینکلس، دیوید اسمیت، دیوید مک‌کله‌لند، اورت هیگن و اورت راجرز از نظریه‌پردازان اصلی این مکتب هستند. این متغیر مفاهیمی چون باور، نگرش، رفتار، هنجار و عقلانیت را دربر می‌گیرد که در

جایگاه و تأثیر توسعه روان‌شناختی در سیاست‌گذاری عمومی ایران / اسماعیل زاده، نظری و ابطحی

ذیل متغیر توسعه روان‌شناختی و نقش این مفهوم در فرایند سیاست‌گذاری عمومی در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ب) سیاست‌گذاری عمومی:

سیاست‌گذاری عمومی یعنی «علم دولت در عمل» (مولر، ۱۳۸۳: ۸۴) دربرگیرنده برنامه‌های سیاسی برای اجرای طرح‌هایی جهت دستیابی به اهداف است (کوران و مالون، ۲۰۰۴: ۱۲۱) و مجموعه فعالیت‌های حکومتی است که تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم بر زندگی شهروندان دارد (پیترز، ۲۰۱۲: ۶۹) در معنایی دقیق‌تر، نظامی از قوانین، اصول، اولویت‌های مالی، دستورالعمل‌ها و مداخلات است که توسط یک شخص، گروه یا حکومت برای تغییر، حفظ یا ایجاد شرایط زندگی که به رفاه انسان‌ها منجر می‌شود، بنابراین یک سیاست‌گذاری موفق باید با درک صحیحی از رفتار انسان همراه باشد تا جامعه را به شیوه‌ای مطلوب شکل دهند تا به رفتارهایی بیانجامد که پیامد آن رفاه انسانی است. (بریکلند، ۲۰۱۴: ۱۹).

مبانی نظری توسعه روان‌شناختی

ادبیات نظری مربوط به توسعه روان‌شناختی مبنی بر تحلیل اتفاقات رایج است که در آثار دانشمندان مطرح این حوزه مشاهده می‌شود. الکس اینکلس و اسمیت نوسازی روانی را نوعی فرایند اجتماعی دانسته که در طی آن انسان‌هایی که نگرش و رفتارهای ارزشی مدرن‌تر دارند، از نهادهای مدرن و نوسازی کلی جامعه حمایت می‌کنند (اینکلس و اسمیت، ۱۹۷۹: ۱۶-۱۴) آنان مشخصاتی را برای انسان مدرن شامل پذیرش تجربه‌های جدید، آمادگی برای تغییر اجتماعی، قلمرو رشد عقیده و اطلاعات، زمان، کارایی، برنامه‌ریزی، محاسبه‌پذیری با اعتماد، آموزش و اشتغال، آگاهی از مقام دیگران برمی‌شمارند. (وینر، ۱۳۵۰: ۲۶-۲۵). دانیل لرنر ورود عناصر حامل نوسازی را در آمادگی روانی و تحرک ذهنی انسان‌ها برای پذیرش عناصر جدید تجدد مؤثر می‌داند (ازکیا، ۱۳۸۹: ۱۰۸). وی مهم‌ترین عوامل آمادگی روانی انسان‌ها را که برای نوسازی مفید است را شامل: بسط و گسترش رسانه‌های گروهی، سوادآموزی، ارتقاء تحصیلات، شهرنشینی و مشارکت می‌داند و به این نتیجه می‌رسد که همراه با ورود تسهیلات شهری، نگرش و باورهای انسان‌ها تغییر می‌کند و اندیشه آنان نیز مدرن می‌شود. (آر. ملکات، ۱۳۸۴: ۱۳۲) اورت هیگن پیشرفت را شامل دو مرحله (۱) سبک آگاهی جدید (۲) و کاربرد این آگاهی‌ها در فرایند توسعه می‌داند (هیگن، ۱۹۹۲: ۵۵). وی شرایطی همچون احساس مسئولیت، اعتماد و اطمینان، درک خطر و احساس مبارزه با آن، ایجاد توان همدلی بالا، انگیزه بالای پیشرفت، نیاز به استقلال و نظم، کمک و همکاری با دیگر هم‌نوعان، مشارکت آگاهانه و ارادی در تصمیم‌گیری و امور مرتبط با زندگی خود را لازمه توسعه اجتماعی و اقتصادی می‌داند (روزی، ۱۳۸۲: ۸۱). مک کله لند مفهوم «ویروس ذهنی» را مطرح ساخت

و آن را ویروس «نیاز به موفقیت» نامیده است که منجر به رشد و توسعه اقتصادی می‌گردد. (عبدالملکی، ۱۳۹۸: ۵۶) ویروس ذهنی و نیاز به پیشرفت، در ذهن شخص نمودار اندیشه‌هایی است که سروکار آن‌ها با خوب انجام دادن کاری یعنی کارا تر، سریع تر و با زحمت کمتر و نتیجه بهتر است. از دید وی انگیزه نوسازی بر بخشی از متغیر فردی، نیاز به موفقیت و علاقه‌مندی به رفاه دیگران مبتنی است. (مک کله لند، ۱۹۶۶: ۳۹) هارولد لاسول که با رویکرد روان‌شناختی به تأثیر آن بر فرآیندهای سیاسی پرداخته و بر عواملی همچون انگیزه‌ها، ادراکات، شناخت، یادگیری، نحوه نگرش، جامعه‌پذیری و پویایی گروهی را به‌عنوان مؤلفه‌های تأثیرگذار بر رفتار سیاسی تأکید می‌نماید (هاوتن، ۱۳۹۶: ۱۲).

هربرت سایمون با طرح مدل عقلانیت محدود به‌عنوان یکی از زمینه‌های روان‌شناختی انسان معتقد است که عقلانیت انسان محدود است و این محدودیت ناشی از محدودیت‌های ذهنی انسان است و هرگونه بحثی درباره مکانیسم تصمیم‌گیری باید با علم براین واقعیت باشد (سایمون، ۱۹۴۷: ۸۱-۸۰). وی محیط‌های سازمانی و اجتماعی که تصمیم‌گیرنده در آن قرار گرفته را بر نحوه تصمیم‌گیری تأثیرگذار می‌داند. در مدل عقلانیت محدود، تصمیم‌گیر پس از آنکه معیارهای نه‌چندان کاملی برای حل مسئله در نظر گرفت، به‌مجرد رسیدن به یک راه‌حل که رضایت او را برانگیزد، کار تحقیق در مورد آльтرناتیوها را رها کرده و مسئله را خاتمه یافته می‌داند. به عقیده وی واقعیت بستگی به آن دارد که تصمیم‌گیرنده، واقعیت را چه تشخیص داده باشد؛ یعنی ممکن است آنچه تصمیم‌گیرنده واقعیت تشخیص داده، واقعیت نبوده و یا همه واقعیت نباشد (وحید، ۱۳۲: ۱۳۸۸).

شارما رشد روانی را در سلامت ذهن می‌داند که تعادلی بین زندگی مادی و غیرمادی و بین ارزش‌های ابزاری و سنتی جامعه برقرار می‌کند. مشخصه روانی زندگی با مشخصه اجتماعی زندگی در ارتباط است. وی بر عوامل خاص روانی تأکید دارد که جزء خصوصیات بارز رهبران سیاسی به شمار می‌رود. (شارما، ۱۹۸۹: ۱۸). از دید گولت، توسعه نیازمند انتقاد، بازنگری و بازسازی است. تصمیمات صحیح را نماینده عملکردی یک‌جانبه حاصل از عقلانیتی منفرد در حوزه تصمیم‌گیری نمی‌داند. از دید وی عقلانیت سیاسی در کسانی به‌خوبی نمایش داده می‌شود که قدرت را به‌خوبی اداره می‌کنند، منطقشان به‌طور مداوم نه در جهت باقی ماندن در وضع موجود، بلکه به سمت جایگزینی آن پیش می‌رود (گولت، ۱۹۹۲: ۳۰۳). همچنان که باید توجه داشت هر تعریفی از توسعه مبتنی بر ارزش‌های خاصی است و نمی‌توان به توافق جهان‌شمول نسبت به یک معنا و مجموعه خطی مشی دست یافت. (ترنر و هیوم، ۱۳۷۹: ۱۳)

وضعیت سیاست‌گذاری عمومی در ایران و نسبت آن با توسعه:

جایگاه و تأثیر توسعه روانشناختی در سیاست‌گذاری عمومی ایران/اسماعیل زاده، نظری و ابطحی

در سیاست‌گذاری عمومی، رویکردهای رایج موردبررسی شامل: مدل نهادی، مدل فرایندی، مدل گروهی، مدل نخبگان، مدل عقلانی، مدل تغییرات تدریجی، مدل بی‌نظمی سازمان‌یافته، مدل انتخاب عمومی، مدل سیستمی، مدل تصمیم‌گیری اجتماعی و مدل کشکولی هست. (حق‌شناس، ۱۳۹۹: ۲۱۱)

گروهی از نظریه‌پردازان همچون مارچ، السن و ریچاردکوهن مدل جالبی را در خصوص چگونگی سیاست‌گذاری ارائه نموده‌اند و فضای سیاست‌گذاری را ظرف زباله (سیاست‌گذاری کشکولی) نام نهاده‌اند که ویژگی اساسی آن همگرایی و جفت شدن تصادفی مشکلات عمومی با راه‌حل‌ها (یعنی سیاست‌ها) هست. آن‌ها معتقدند هرگاه در یک نظام سیاست‌گذاری، ترجیحات و اولویت‌ها مبهم و نامعین باشد و نتوان تصمیم‌گیری را مبتنی بر طبقه‌بندی ترجیحات قرارداد، نظام سیاست‌گذاری با خودانگیزگی مواجه و تصادفی شکل می‌گیرد. (Anderson, ۱۹۷۳: ۳۱)، ناتوانی در نیل به هدف‌های عملیاتی و تعهدات، فرایندهای حل مسئله مبتنی بر ترس که به‌ندرت به تصمیم‌های سودمند منجر می‌شوند، دوباره‌کاری‌های فراوان، روابط بین فردی بر پایه فریبکاری و خودخواهی از دیگر ویژگی‌های مدل سیاست‌گذاری کشکولی هست (Appelbaum & Roy-Girard, ۲۰۰۷). احساسات و رفتارهای منفی تصمیم‌گیرندگان به‌طور گسترده انعکاس می‌یابد، بازی‌های قدرت و دادوستدهای سیاسی به‌منظور دستیابی به منفعت شخصی نقش اساسی را بازی می‌کند و موجی از نارضایتی را رقم می‌زند (Maitlis and Ozcelik, ۳۷۶: ۲۰۰۴).

اگرچه همه سیاست‌گذاری‌ها در بخش عمومی باهدف حل مشکلات اجتماعی طراحی و اجرا می‌شوند لیکن بسیاری از این خط‌مشی‌ها با الگوی عقلایی تدوین و اجرا نمی‌شوند و می‌توانند پیامدهای منفی برای جوامع به دنبال داشته باشند (Dye, ۲۰۱۳: ۷۳). از این‌رو خط‌مشی‌گذاری چهره‌ای سیاه و تاریک نیز دارد که رفتارهای سیاسی، بی‌عدالتی، تنازع سیاسی، خودشیفتگی، خودکامگی و رابطه‌مداری به‌جای ضابطه‌مداری از نشانه‌های آن است (Thissen and Walker, ۲۰۱۳: ۷۵). در این مدل امکان تحلیل شمار گسترده‌ای از سیاست‌های عمومی در ایران فراهم و حوزه‌های مهمی نظیر سلامت، امنیت عمومی، اشتغال و مبارزه با فساد را می‌توان با استفاده از این الگو مورد مطالعه قرارداد و به نظر می‌رسد سیاست‌گذاری‌ها در ایران صحنه سیاست‌های کم‌دوام است و عمر سیاست‌ها نه در پیوند با عقلانیت که مرتبط با سیاست‌هایی است که تأمین منافع ملی و مصلحت عمومی را با تردید روبرو می‌کند (۱۹۷۲: Cohen, March and Olsen).

عوامل روان‌شناختی مؤثر در سیاست‌گذاری عمومی توسعه

بر اساس مفاهیم روان‌شناختی مربوط به سیاست‌گذاری توسعه، اگر افراد و ملت‌ها دارای شناخت، ارزش، باور، هنجار، رفتار، عقلانیت و دیگر خصیصه‌های مطلوب نباشند سیاست‌های عمومی قابلیت

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۸، شماره ۶۰، پائیز ۱۴۰۱

اثرگذاری را نخواهد داشت؛ بنابراین ضروری است که این مؤلفه‌ها را برای توضیح منطق سیاست‌گذاری عمومی در ایران با مدل مفهومی روان‌شناختی ذیل مورد بررسی قرار داد.

جدول ۱- چارچوب مدل مفهومی

| مدل مفهومی (توسعه روان‌شناختی و سیاست‌گذاری عمومی) | |
|--|--|
| ۱ | شناخت و ارزش (توسعه شناختی) |
| ۲ | باور (توسعه باورهای ذهنی واقع‌گرایانه) |
| ۳ | هنجارها (توسعه هنجارهای اثربخش) |
| ۴ | رفتارها (توسعه رفتار سیاسی مطلوب) |
| ۵ | عقلانیت (توسعه و احصاء عقلانیت) |

منبع: یافته‌های محقق

شناخت و ارزش‌ها (توسعه شناختی)

شناخت و ارزش برای توصیف عوامل اعتقادی و ارزشی بر متولیان تأثیرگذار در تدوین سیاست‌گذاری عمومی در نظر گرفته شده است. نظر به اینکه ایده آل‌های هر جامعه با جوامع دیگر فرق می‌کند هیچ الگوی جهان‌شمولی برای سنجش ارزش‌ها و به دنبال آن توسعه وجود ندارد. لذا نمی‌توان جنبه ارزشی نهفته در تعاریف توسعه را نادیده گرفت چراکه توسعه در هر فرهنگی محصول زمینه‌های فرهنگی همان جامعه هست. (فرانکل، ۱۳۸۲: ۹۶). مهم‌ترین نکات در تعریف توسعه عبارت‌اند از: اولاً باید توسعه را یک مقوله ارزشی به شمار آورد. ثانیاً: توسعه جریانی چندبعدی و پیچیده محسوب می‌شود و سوم باید به ارتباط آن با مفهوم بهبود توجه داشت. (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۲۴).

فرایند فعالیت‌های شناختی که تحت تأثیر گروهی از عوامل روان‌شناختی می‌باشند عبارت‌اند از: (۱) فرمول‌بندی مسئله و راه‌حل‌های احتمالی آن (۲) آگاهی از فرآیندهای شناختی لازم برای حل مسئله (۳) به کار انداختن قواعد و راهبردهای شناختی، (۴) انعطاف‌پذیری رو به افزایش، (۵) نظارت بر فرآیند حل مسئله. (شیوه فرایند شناختی ارزیابی)، (۶) اعتقاد به اندیشیدن و نهادینه شدن تفکر، (۷) در طلب راه‌حل مناسب بودن. (مالسن و دیگران، ۱۳۹۵: ۴۰). نظام ارزشی و شناخت شیوه زندگی مردم رابطه‌ای متقابل با سیاست‌گذاری عمومی، تصمیم‌گیری و تخصیص منابع دارد. به عبارتی چنانچه سیاست‌ها و اقداماتی که حکومت در مسیر توسعه اتخاذ می‌کند با ارزش‌ها و پایه‌های فرهنگی جامعه در تعارض باشد با مقاومت آشکار و پنهان اقبال و گروه‌های مختلف در جامعه مواجه خواهد شد و مانع هم‌افزایی نیروهای جامعه در

جاگاه و تأثیر توسعه روانشناختی در سیاست‌گذاری عمومی ایران / اسماعیل زاده، نظری و ابطحی

پیشبرد مقاصد توسعه می‌گردد. این مقاومت‌ها چنانچه به صورت غیرمستقیم و غیر آشکار صورت گیرند، مقاومت فرهنگی نامیده می‌شوند. استفان دانکومب، مقاومت فرهنگی را مفهومی می‌داند که آگاهانه یا ناآگاهانه در برابر ساختار سیاسی، اقتصادی و یا اجتماعی مقاومت می‌کند و می‌تواند آن را دگرگون کند و نتیجه برآمده از این مقاومت‌ها در طیفی از تلاش برای بقا تا بروز انقلاب قرار می‌گیرد. دانکومب بقاء را همچون نقطه‌ای که در آن مقاومت فرهنگی صرفاً راهی برای تحمل مشقات روزمره و نا عدالتی‌های زندگی در عین تلاش برای کسب سایه‌ای از شأن و احترام می‌پندارد (Duncombe, 2002: 123). جی اسکات به شرح «اشکال روزمره مقاومت» و «نسخه‌های پنهان مقاومت» می‌پردازد که نتیجه آن می‌تواند در دامنه‌ای از تحمل سرکوب بیشتر تا اجبار سازنده به اصلاحات منجر گردد. از دید وی این دامنه در درون چارچوب قدرت قرار دارد و هنگامی صورت می‌گیرد که مقاومت فرهنگی به ارزش تبدیل و از شکل پنهان و فرهنگی وارد حوزه مقاومت آشکار برای تغییر وضع موجود خواهد شد (Scott, 1990: 140)؛ بنابراین برای به ثمر نشستن توسعه مطلوب کشور می‌بایست به زمینه‌های ارزشی و شناختی لازم در تدوین سیاست‌گذاری‌ها برای کنار زدن تضادها و تناقضات توجه شود و بی‌توجهی به این موارد به بروز مقاومت می‌انجامد که هزینه آن متوجه کل جامعه خواهد بود و موجب می‌شود مقاومت ارزشی در جامعه چنان شدت گیرد که از ساختار غیر آشکار خود فاصله گرفته و در متوقف سازی فرایند سیاست‌گذاری ناکارآمد مداخله نماید. عجم او غلو و رابینسون، ۱۳۹۸: ۴۷).

باورها (توسعه باورهای ذهنی واقع‌گرایانه)

باور یکی دیگر از شاخصه‌های توسعه روان‌شناختی در تدوین سیاست‌گذاری عمومی هست و در یک تقسیم‌بندی به دودسته هنجاری (باورهایی در مورد آنچه باید باشد) و ایجابی (باورهایی در مورد آنچه هست) تقسیم می‌شوند. در تقسیم‌بندی دیگر، باورها به دودسته باورهای اصلی یا باورهای تزلزل‌ناپذیر و باورهای فرعی یا باورهای دارای اهمیت کمتر دسته‌بندی می‌شوند (هاوتن، ۱۳۹۳: ۱۱۷). نظام باورها به صورت یک نظام دانایی با لایه‌های مختلف و به تعبیر روزنبرگ (۱۹۸۶) شبیه «تار عنکبوت» توصیف می‌شوند که تمام باورها به وسیله رشته‌هایی که از مرکز سرچشمه گرفته‌اند، به هم متصل شده‌اند که آن را می‌توان مرکب از لایه‌های سه‌گانه جهان‌بینی، ایدئولوژی و دکترین دانست که هر یک بخشی از ایده‌های مربوط به سیاست‌گذاری عمومی را در بردارند (Goldstein & Keohane, 1993: 91). باورها به منزله پیش‌فروتنی نظری برای اقدامات و تصمیمات سیاست‌گذاری محسوب می‌شوند. ابزاری برای تفسیر موقعیت‌های جدید و به منزله فیلتری تلقی می‌شوند که رهبران سیاسی هرگونه اطلاعات، پدیده سیاسی جدید و سیاست‌گذاری را از کانال باورهای خود عبور می‌دهند (Renshon, 2008: 80). از نظر هالستی

می‌توان نظام باورها را به‌عنوان مجموعه‌ای از لنزهای فکری دانست که اطلاعات مرتبط با محیط فیزیکی و اجتماعی از درون آن دریافت می‌شود، افراد متمایل به «فیلتر کردن» «اطلاعات جدید از طریق» «باورهای پیشین» به‌منظور حفظ و انسجام باورهای خویش هستند و اقدامات ناشی از سیاست‌گذاری، حاصل مقابله ذهنی تصمیم‌گیرندگان در مورد خواست‌ها و آرمان‌ها از یک‌سو و آگاهی از محیطشان از سوی دیگر است (Holsti, 1996:45). رهبران سیاسی در بسیاری مواقع تصمیم‌های خود را با توجه به باورها و ارزش‌های جامعه تنظیم می‌کنند و تغییر باور در بسیاری مواقع به تغییر اساسی در سیاست‌گذاری کشورها منجر می‌شود و بخش اعظم این مسئله ناشی از باورهای متفاوت رهبران سیاسی می‌باشد (Winter, ۹۱:۲۰۰۳). مارتین گریفیس (تعبیر جهان‌نگرش) را به کار می‌گیرد و آن را تفسیری کلی از جهان و کاربست این نگرش در مورد شیوه داوری و ارزیابی ما از فعالیت‌ها و ساختارهای شکل‌دهنده به جهان می‌داند (علی‌بابایی، ۱۳۸۴: ۲۵۰-۲۴۹). هسته مرکزی نظام باورها را می‌توان جهان‌بینی نامید و از آن با تعبیر دیگری چون باورهای بنیادی یا مرکزی نیز یاد می‌شود که بر توجه و تمرکز به هستی و انسان تأکید دارند (Bern, 1970:196). لایه دیگری در نظام باورها، باورهای میانی یا ایدئولوژی هست که با تعبیر دیگری چون باورهای نیمه بنیادی و اصولی نیز یاد می‌شود و می‌توان آن را اصول اخلاقی در معنای اعم و دنباله آن‌ها در سیاست‌گذاری به معنای خاص دانست. این دسته از باورها همچون جهان‌بینی مفاهیم انتزاعی صرف نیستند و از طرفی جنبه خیلی عینی و ملموسی ندارند، اما به ما در ترسیم وضعیت موجود کدهای اخلاقی خاصی را ارائه می‌کنند (هیوود، ۱۳۸۹: ۵۷۶) از نظر گلدستون و کوهن باورهای اصولی اغلب برحسب جهان‌بینی‌های کلان مورد توجه، از «ایده‌های هنجاری» تشکیل شده و معیاری برای تمیز راست از ناراست و حقیقت از غیر حقیقت هستند (Goldstein & keohane, 1993: 93). این قبیل از باورها (اصولی یا میانی) در حوزه سیاست‌گذاری عمومی از طریق ابداع و اعتبار مفاهیم و معانی، وضعیت، نظم و رفتار آرمانی و مطلوب را ترسیم می‌کند و مبنای داوری در مورد وضع موجود و نقد آن را فراهم می‌سازد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۱۳۶). از لایه دیگر باورها با تعبیری چون باورهای ثانوی، ابزاری و سببی که اطلاعات جزء به جزء، تاکتیکی و استراتژی‌های عملی را جهت اجرا در سیاست‌گذاری پیشنهاد می‌کنند، نام برده می‌شود. باورهای ابزاری یا سببی در چارچوب جهان‌بینی و باورهای اصولی (ایدئولوژی) ابزارهای دست‌یابی به اهداف را مورد اشاره قرار می‌دهند (Goldstein & keohane, ۷۰). 1993 اگر باورهای میانی گزاره‌های عام و کلی مربوط به فضایل مطلوبیت‌ها، خیرات، شرور و بایستگی‌ها و نبایستگی‌های جامعه سیاسی و حیات جمعی است و وجه فلسفی دارد، باورهای ابزاری به نحوه تحقق و فعلیت بخشیدن به اهداف و بهره‌گیری مناسب از فرصت‌ها و امکان‌ها مربوط است و وجه تجربیدی و

جایگاه و تأثیر توسعه روانشناختی در سیاست‌گذاری عمومی ایران/اسماعیل زاده، نظری و ابطحی

فلسفی ندارد (واعظی، ۱۳۹۴: ۱۶-۱۵). به هر اندازه که از جهان‌بینی و لایه‌های میانی باورها به سمت لایه بیرونی حرکت می‌کنیم، باورها شکل انضمامی به خود می‌گیرند و به راهکارها و تدوین سیاست‌گذاری‌ها تبدیل می‌شوند. چنان‌که نور نیز تغییر در باورها را نقطه آغاز تغییرات نهادی قلمداد می‌کند (۵۰: North, ۲۰۰۳) باورهای ابزاری متناسب با شرایط داخلی و خارجی دستخوش تحول و دگرگونی می‌شوند و این نکته مهمی در جهت‌گیری سیاست‌گذاری عمومی کشورهاست. (افتخاری، ۱۳۸۶: ۹۳).

هنجارها (توسعه هنجارهای اثربخش)

هنجار یکی دیگر از شاخصه‌های توسعه روان‌شناختی در تدوین سیاست‌گذاری عمومی هست و مجموعه قواعد و مقرراتی هستند که در مرحله اجرای سیاست‌گذاری نمود پیدا می‌کنند و اگر اخلاق، انسانیت، حقوق بشر و قوانین داخلی و بین‌المللی در نظر گرفته نشود در مرحله اجرای سیاست‌گذاری با مشکل مواجه خواهیم شد و موجب تبعاتی همچون شکل‌گیری ناهنجاری رفتاری، هرج‌ومرج، نابسامانی‌های اجتماعی، پیگیری هدف‌های شخصی، نگاه جناحی و گروهی، عدم مسئولیت‌پذیری، عدم توجه به ارزش‌های ملی و هنجارهای اجتماعی می‌شود. همچنین ناهنجاری‌های ناشی از فقدان اندیشه و تفکر در مسیر سیاست‌گذاری توسعه کشور که مهم‌ترین مانع در ایران می‌باشد و مقصودمان این است که جامعه زمانی می‌تواند مشکلات خود را حل کند که سازمان‌ها و نهادهایی برای نهادینه نمودن تفکر ایجاد و به توسعه ذهنی برسد (عظیمی، ۱۳۸۸: ۱۱۹). در فرآیند سیاست‌گذاری توسعه کشور ناهنجاری‌ها و نابسامانی‌های اجرایی مشهود می‌باشد که مهم‌ترین آن عبارت است از کاستی و خامی در برنامه‌ریزی که یکی از مهم‌ترین ضعف‌های اساسی مهم مدیریت سیاست‌گذاری به شمار می‌رود، همچنین تمامی این عوامل (هنجاری و عقلانی) خود متأثر از یکسری فاکتورهای بیرونی‌اند که دخالت در امر سیاست‌گذاری می‌نمایند و به‌نوعی تأثیر منفی بروی هنجارها و قوانین موجود می‌گذارند. هنجارهای غالب در طول زمان مادامی‌که در موقعیت سیاست‌گذاری قرار می‌گیرند تحت‌الشعاع ساختار و قدرت نهادها، یعنی قوانین رسمی و هنجارهای غیررسمی قرار خواهند گرفت که بر مسیر سیاست‌گذاری توسعه تأثیر گذارند. (نورث، ۲۰۰۳: ۴). در مواردی که نظام اجتماعی و سیاسی با یک تغییر جهشی در هنجارها روبه‌رو می‌شود دیگر نمی‌توان گفت که چه آسیبی متوجه سیاست‌گذاری خواهد شد (شومپتر، ۲۰۰۵: ۱۱۵).

رفتارها (توسعه رفتارهای سیاسی مطلوب)

رفتارها از شاخصه‌های توسعه روان‌شناختی در مرحله اجرای سیاست‌گذاری عمومی می‌باشند. رفتارگرایان معتقدند که روانشناسی یعنی رفتار قابل‌مشاهده، چراکه آنچه موجب تغییر و تحول در زندگی

انسان می‌شود و سرنوشت او را به سمت خوشبختی و توسعه سوق می‌دهد رفتارهای اوست. رفتارها نشات گرفته از ارزش‌ها، تصورات، هنجارها، کردارها، باورها و احساسات می‌باشند. از این حیث رفتار خود بر دو قسم بهنجار و نابهنجار هست. «دیوید هلد» سوءبرداشت‌ها را رایج‌ترین نوع آسیب روان‌شناختی می‌داند که بر رفتار تصمیم‌گیرندگان تأثیر می‌گذارد و ممکن است از انواع مختلفی از مسائل عاطفی، شناختی و سازمانی و یا آمیزه‌ای از هر سه نوع باشد (هلد، ۱۳۸۲: ۱۶۱-۱۵۹). تصاویر ذهنی در صورتی که به شکل پایدار بوده و فاصله زیادی با واقعیت داشته باشند، به «سوء تصورات» یا «کلیشه‌ها» تبدیل و مبنای رفتار در سیر تصمیمات و سیاست‌گذاری قلمداد می‌شود. (Dyson & Preston, 2006). رابرت جرویس نادرستی این فرض را که تصمیم‌گیران تصویر کاملاً درستی از جهان دارند و سوء تصورات می‌تواند به صورت اتفاقی رخ دهد را نشان داده است. (Jervis, 1976: 77) معمولاً در تنظیم هدف‌های سیاسی و پاسخ‌های مقتضی، تجسم واقعیت بر وضعیت از گذشته مبتنی یا با آن مقایسه می‌شود: (Stein, 2008). (74) تصویر ذهنی فراتر از سطح فردی در سطح ملی نیز وجود دارد. در این صورت تصویر ذهنی حول دو موضوع شکل می‌گیرد؛ نوع نگرش مردم یک کشور به جایگاه و نقش کشور خود و دوم تلقی آن‌ها از سایر کشورها و واحدهای سیاسی (Holsti, 1996). (44: پس‌ازاینکه سیاست‌ها اجرا گردید، ارزیابی رفتارها، نقش محوری در میزان مؤثر بودن اجرای سیاست‌ها و خط‌مشی ایفا می‌نمایند. امروزه حکومت‌ها (فارغ از درستی و غلطی اهدافشان) به روش‌های پیچیده‌ای برای کنترل جامعه و جهت‌دهی رفتارهای اجتماعی شهروندان دست‌یافته‌اند و طوری به مداخله در جامعه می‌پردازند که شهروندان با رضایت، احساس مثبت و کاملاً با اختیار خود، رفتارهایی همسو با منافع خود و جامعه بروز دهند. رویکردهای رایج در سیاست‌های تغییر رفتار، در چهار دسته طبقه‌بندی شده‌اند:

۱. استفاده مستقیم از قوه سلطه، اقتدار حکومت و اجبارهای انتظامی

۲. آموزش، توجیه منطقی و علمی، آگاهی‌بخشی و انتقال اطلاعات و دانش

۳. طراحی سازوکارهای هزینه-فایده و تنظیم ساختارهای جهت دهنده به رفتار

۴. استفاده از میانبرهای ذهنی، نیمه آگاهانه و فرایندهای روان‌شناختی.

با تأملی کوتاه در زندگی روزانه خود درمی‌یابیم که اغلب رفتارها و انتخاب‌های ما، نه وابسته به آگاهی‌های ما و نه محاسبات هزینه-فایده‌ای ما هست. واقعیت این است که بسیاری از رفتارهای روزمره ما با تأمل و حتی آگاهانه صورت نمی‌گیرد، بلکه مبتنی بر احساسات، عادات، انتظارات اطرافیان، شرایط محیطی، خطاهای ادراکی و شناختی هستند. (آشتیانی، ۱۳۸۵: ۱۷). در ارزیابی نحوه سیاست‌گذاری توسعه در ایران و اجرای موفق برنامه‌های توسعه، رفتار اخلاقی، منطقی، قانونی و مورد اعتماد ضروری

جایگاه و تأثیر توسعه روانشناختی در سیاست‌گذاری عمومی ایران / اسماعیل زاده، نظری و ابطحی

است؛ و نتیجتاً اینکه در صورت لزوم بازسازی رفتاری از جنبه روان‌شناختی با بهسازی در ارزش‌ها، رویکردها و رویه‌های حاکم بر فرایند سیاست‌گذاری عمومی اجتناب‌ناپذیر هست (رنانی، ۱۳۸۱: ۱۳).

عقلانیت (توسعه و احصاء عقلانیت)

موضوع عقلانیت انسان و روش تفکر او، از دو منظر دارای اهمیت است: اول از آنجاکه عامل انسان، محور مباحث توسعه و در نتیجه برنامه‌ریزی بوده و از این رو، تفکر او در نظام برنامه‌ریزی نقش اصلی را ایفا می‌کند و نادیده گرفتن این اصل منجر به فقدان درک صحیح از مفهوم برنامه‌ریزی می‌شود و دیگری اینکه با تغییر یافتن تعریف انسان به‌عنوان عامل اقتصادی، مفهوم توسعه نیز تغییر کرده و در نتیجه ابزار رسیدن به هدف توسعه، یعنی برنامه‌ریزی نیز تغییر می‌کند. علاوه بر این، در فرآیند اتخاذ یک تصمیم، نهاد و رویکردهای مختلفی اعم از نهاد کارشناسی، نهاد مدنی و نهاد سیاسی مشارکت دارند و در تعامل با یکدیگر روند برنامه‌ریزی را پیش می‌برند؛ بنابراین، شیوه اندیشه و تفکر این گروه‌ها و مهم‌تر از آن نحوه تعامل عقلانیت این گروه‌ها، ماهیت برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری را متحول می‌سازد (ملرز، ۲۰۰۴: ۲)؛ اما به نظر می‌رسد ایران صحنه سیاست‌های کم‌دوام است و در صورتی که متولیان و مجریان در تدوین و اجرای سیاست‌گذاری عمومی به‌عنوان پیش‌نیاز توسعه کشور رویکرد ذهنی خود را با عقلانیت و واقعیت‌ها منطبق نکنند مسیر توسعه با کامیابی همراه نمی‌شود (مومنی و رمضان زاده ولیس، ۱۳۹۳: ۱۸). با بررسی عقلانیت که با عنصر هدفمندی نیز در ارتباط است به‌واسطه به میان آوردن مفهوم ذهن، اندیشه و شیوه فکری انسان مفهوم عقلانیت را بیش‌ازپیش مهم‌تر جلوه می‌دهد چراکه هر نوع نگاه به انسان و ذهن او بر تعریف توسعه و برنامه‌ریزی اثرگذار بوده و پای مبحث تناسب هدف و ابزار را به میان می‌کشد (ردموند، ۲۰۰۶: ۴۳۲). عدم توجه به عنصر عقلانیت، عدم اجماع نظر و اختلاف در مبانی نظری توسعه را به دنبال داشته است و موجبات شکل‌گیری سیاست‌گذاری کَشکولی در ایران را رقم‌زده است که دارای ویژگی‌هایی همچون پیگیری هدف‌های شخصی، نگاه جناحی و گروهی، عدم مسئولیت‌پذیری، عدم توجه به ارزش‌های ملی و هنجارهای اجتماعی، عوام‌گرایی و اتخاذ دیدگاه کوتاه‌مدت هست. بنا به نظریه انتخاب عقلایی در این شرایط، فضای تصمیم‌گیری کشور تابع نزدیک‌بینی سیاسی- تجاری خواهد شد. نتیجتاً تصمیم‌گیری‌ها به‌گونه‌ای اخذ خواهد شد که منافع سیاسی کوتاه‌مدت و هزینه‌های اقتصادی بلندمدت خواهد داشت (توکلی، ۱۳۹۰: ۴۷). اتخاذ دیدگاه جزیره‌ای و غیرعلمی از دیگر راهبردهای سیاست‌گذاران کَشکولی است؛ بدین ترتیب که این سیاست‌گذاران فاقد دید سیستمی هستند، دانش سازمانی را نادیده می‌گیرند و به رفع عوارض و نشانه‌ها به‌جای ریشه‌یابی مسئله، توجه می‌کنند. تصمیم‌های غیرعملی، تغییرات یکباره و بی‌برنامه و نداشتن دیدگاه نظام‌مند از دیگر مقوله‌های شناسایی شده هست. به عبارتی

در مدل کشکولی که حاصل بی‌توجهی به عنصر عقلانیت در فرایند سیاست‌گذاری عمومی هست سیاست‌گذاران مشکلات را حل نمی‌کنند بلکه مشکل را به لایه‌های زیرین انتقال می‌دهند. توسل به اقداماتی در جهت حذف رقبا، تبعیض، فساد مالی، اسراف در استفاده از بیت‌المال، بیشینه کردن منافع فردی و... از دیگر ویژگی‌هایی است که راهبرد سیاست‌گذاران در مدل کشکولی را تسهیل می‌کند. (strauss and corbin, 1998:132) به‌طور کلی، برای تحقق حکمرانی خوب تغییر روند رکود حاکم بر فرایند سیاست‌گذاری در ایران و از سوی بازنگری در رویکردهای ذهنی مؤثر بر این فرایند اجتناب‌ناپذیر هست زیرا هرگونه تلاش برای تحقق حکمرانی خوب در یک جامعه بدون توجه به زیرساخت‌های لازم به‌ویژه در حوزه فرهنگ و به‌دوراز نگاه واقع‌بینانه رقم نخواهد خورد (شریف‌زاده، ۱۳۸۲: ۱۰۸).

نتیجه‌گیری

پس از انقلاب سال ۱۳۵۷ و دوران جمهوری اسلامی، بروز جنگ تحمیلی ۸ ساله و خسارات ناشی از آن، بحران مالی و اقتصادی و تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی که ایران را رنجاند اما از پای نینداخت. باوجود اثرات منفی و بازدارنده دشواری‌های پس از انقلاب، مع‌الذالك حجم عظیمی از زیرساخت‌ها و روساخت‌های کشور در این مدت به وجود آمد؛ اما در عرصه سیاست‌گذاری توسعه مرتبط با آمایش سرزمین همراه با حفاظت از منابع و حفظ محیط‌زیست، دستیابی به شاخص‌های مطلوب رشد اقتصادی، نرخ تورم و بیکاری، ارتقای سطح زندگی مردم با چالش‌های زیادی مواجه می‌باشد. لذا با این سؤال مواجه می‌شویم که آیا روحیه، طرز تفکر، ادراک، نگرش و رفتارهای متولیان سیاست‌گذاری عمومی و از طرفی تعقل و رفتارهای اجتماعی عوامل تعیین‌کننده توسعه کشور محسوب می‌شوند؟ در پاسخ به نظرمی‌رسد در صورت عدم تغییر آن دسته از عادات فرهنگی همچون نحوه تفکر، نگرش‌ها و باورهای منسوخ‌شده موثر در تدوین سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعه، فرایند توسعه در مسیر راکد خود باقی می‌ماند زیرا هنوز در سطح ملی تکلیف خود را با مفهوم توسعه مشخص نکرده‌ایم و در سطح نخبگان به چنین اجماع نظر مشخصی نرسیده‌ایم. در نتیجه مشاهده می‌شود که در ادوار مختلف از سیاست‌گذاری توسعه با برداشت‌ها و تفاسیر متفاوت از این مفاهیم روبه‌رو بوده‌ایم تا جایی که در سال‌های اخیر گاه شاهد اختلاف‌نظرهای اساسی و بنیادین میان صاحب‌نظران و سیاست‌گذاران در تعیین پارادایم‌های برنامه‌های توسعه بوده‌ایم. باید پنداشت که سیاست‌گذاری توسعه در هر کشوری باید با توجه به ملاحظات اقتضائی ارزشی و فرهنگی، زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود انجام گیرد چراکه حتی کشورهای مشابه دارای اقتصاد، فرهنگ و نهادهای اجتماعی یکسان نیستند و نمی‌توان در قالب رهیافت و روش واحدی برنامه‌ریزی کرد و هر کشور باید در جستجوی الگوی مناسبی برای توسعه خویش باشد.

جایگاه و تأثیر توسعه روانشناختی در سیاست‌گذاری عمومی ایران / اسماعیل زاده، نظری و ابطحی

سیاست‌گذاری توسعه در زیست‌بوم حکمرانی جمهوری اسلامی نیز دارای اقتضائات و شرایط منحصر به خود است. به نظر می‌آید برخی شاخصه‌های حکمرانی خوب، حلقه گمشده فضای سیاسی، اجتماعی و مدیریت کشور است که تاکنون در برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها چندان مورد توجه نبوده است. بخش عمده این مشکل به سطحی‌نگری موجود در بین مدیران در حوزه‌های سیاست‌گذاری کشور مربوط می‌شود که به جای پرداختن به ریشه‌ها، امور زیربنایی و اصلاح ساختارها خود را درگیر روزمرگی‌ها و مدیریت مسائل پیش‌پاافتاده کرده‌اند و عملاً اهمیت بحث‌هایی چون حکمرانی خوب که می‌تواند به‌عنوان یک عامل زیربنایی، سبب توسعه و تحول در ساختارهای مختلف و نوع تعامل جامعه، دولت و مردم شود، مورد غفلت قرار گرفته است. این آسیب از آنجا نشأت می‌گیرد که متولیان سیاست‌گذاری توسعه سمت‌وسوی آن را بر اساس نگاه سخت‌افزاری ترسیم کرده و التفات چندانی به بعد نرم‌افزاری آن یعنی نظام مناسبات اجتماعی، نیازها، کنش‌ها، نظام اعتقادی و سلايق متفاوت نداشته و منجر به شکل‌گیری هیولایی از توسعه شده که یک‌بعدی، بی‌قواره و نامتناسب است و به تبع آن نیز امید به توسعه کشور را از بین می‌برد. به عبارتی راه خروج از شرایط فعلی نهادینه شدن رویکرد واقع‌بینانه در بین متولیان سیاست‌گذاری عمومی هست و این امر میسر نمی‌شود جز تغییر و بازسازی در نظام باورها، ادراک و نگرش‌های فعلی در نظام تدوین برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری عمومی توسعه کشور.

منابع

- ۱) ازکیا، مصطفی، علیرضا غفاری (۱۳۹۷)، جامعه‌شناسی توسعه، نشر موسسه کیهان
- ۲) افتخاری، اصغر (۱۳۸۶). (اصول‌گرایی و شرایط متحول خارجی با تأکید بر دیدگاه امام خمینی)، زمانه، ش ۵۵.
- ۳) ایزدی، علی‌محمد (۱۴۰۱)، چرا عقب‌مانده‌ایم، تهران، علم
- ۴) پاول هنری ماسن و دیگران، (۱۳۹۹)، رشد شخصیت و کودک، مترجم: مهشید یاسایی، تهران، نشر مرکز
- ۵) پیت، ریچارد؛ ویک، الین هارت، (۱۴۰۰)، نظریه‌های توسعه، ترجمه مصطفی ازکیا، رضا صفری شالی، اسماعیل رحمان پور، تهران: لویه
- ۶) پیترز، گای‌وی‌یر، یان. (۱۳۹۳)، حکمرانی، سیاست و دولت. ترجمه حسین قلجی. تهران: رهیافت اول.
- ۷) ترنز، مارک، هیوم، دیوید، (۱۳۸۵)، حکومت‌داری، مدیریت و توسعه، ترجمه عباس منوریان، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی
- ۸) تقی‌لو، فرامرز (۱۳۹۳)، تحلیلی بر موانع نظری الگوی بومی توسعه در ایران، سومین کنفرانس الگوی اسلامی پیشرفت.
- ۹) توسلی، غلام‌عباس (۱۳۷۳)، جامعیت مفهوم توسعه، مجموعه مقاله‌های سمینار جامعه‌شناسی و توسعه، جلد دوم، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۰) توکلی، احمد، (۱۳۹۲)، مالیه عمومی، تهران: انتشارات سمت
- ۱۱) دهقانی‌فیروزآبادی، سیدجلال (۱۴۰۰)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات سمت.
- ۱۲) رنایی، محسن، (۱۳۸۱)، سقوط سرمایه اجتماعی: ماهنامه آفتاب، شماره: ۱۰۱۹
- ۱۳) روزی بیدگلی، زهرا (۱۳۸۲)، بررسی جامعه‌شناختی میزان تفکر مدرن (نوگرایی) دبیران خانم شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکز
- ۱۴) ستاری فر، محمد (۱۴۰۰)، بن‌مایه‌های توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۱۵) شریف‌زاده، فتاح و قلی‌پور، رحمت‌الله، (۱۳۸۲)، حکمرانی خوب و نقش دولت، نشریه فرهنگ و مدیریت، شماره ۴.
- ۱۶) طاهری، ابوالقاسم، روش تحقیق و مآخذشناسی (رشته مدیریت)، تهران، پیام نور، ۱۳۷۸، ۱۶۴ ص.
- ۱۷) طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴). اصول فلسفه و روش رئالیسم، در مجموعه آثار شهید مطهری، تهران: صدرا.

جایگاه و تأثیر توسعه روانشناختی در سیاست‌گذاری عمومی ایران / اسماعیل زاده، نظری و ابطحی

- ۱۸) عبدالملکی، سعید، (۱۳۹۸)، بنیادهای تئوریک نوسازی روانی، تهران، نشر وانیا.
- ۱۹) عجم اوغلو، دارون، رابینسون، جیمز ای (۱۳۹۸)، چرا ملت‌ها شکست می‌خورند، ریشه‌های قدرت، ثروت و فقر، ترجمه محسن میردامادی و محمدحسین نعیمی پور، تهران: انتشارات روزنه.
- ۲۰) عظیمی، حسین، (۱۳۸۸)، ایران امروز در آینه مباحث توسعه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- ۲۱) علی‌بابایی، غلامرضا (۱۳۸۴). فرهنگ سیاسی آرش، چ دوم، تهران: آسیان
- ۲۲) فتحی‌آشایانی، علی، (۱۳۸۵)، مقدمه‌ای بر روانشناسی سیاسی، انتشارات بعثت
- ۲۳) فرانکل، جوزف (۱۳۸۲). روابط بین‌الملل در جهان متغیر، ترجمه عبدالرحمن عالم، چ ششم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه
- ۲۴) محمدجواد حق‌شناس (۱۳۹۹)، تحلیلی بر پیامدهای ناخواسته سیاست عمومی: فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۶، شماره ۳، زمستان ۱۳۹۹.
- ۲۵) ملکات، سرینوس اس آر؛ استیوز، لزی (۱۳۹۶)، ارتباطات توسعه در جهان سوم، ترجمه شبانعلی بهرام پور، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی
- ۲۶) مولر، پیر، (۱۳۸۳). سیاست‌گذاری عمومی، ترجمه دکتر حمیدرضا ملک محمدی، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر.
- ۲۷) مؤمنی، فرشاد و رمضان زاده ولیس، گلروز، (۱۳۹۳)، «نوآوری نهادی کاهنده هزینه مبادله و توسعه اقتصادی: نگاهی به تجربه ایران»، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال چهاردهم، شماره ۵۴، صص ۳۲-۱.
- ۲۸) هاوتن، دیوید پاتریک (۱۳۹۳). روان‌شناسی سیاسی (موقعیت‌ها، افراد و مصادیق)، ترجمه علی‌اشرف نظری و شهرزاد مفتوح، تهران: قومس
- ۲۹) هریسون، دیوید، (۱۳۷۹)، جامعه‌شناسی نوسازی و توسعه، علیرضا کلدی، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.
- ۳۰) هلدیوید و آنتونی مک‌گرو (۱۳۸۲)، جهانی‌شدن و مخالفان آن، ترجمه‌ی عرفان‌ثابتی، تهران: ققنوس.
- ۳۱) هیوود، تندرو (۱۳۸۹). سیاست، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: نشر نی.
- ۳۲) واعظی، احمد (۱۳۹۴). «نسبت حکمت متعالیه با فلسفه سیاسی اسلامی» علوم سیاسی، ش ۷۰، تابستان. ص ۷-۲۲.
- ۳۳) الوانی، سیدمهدی، کیاکجوری، کریم، رودگرزاد، فروغ (۱۳۹۶)، مدیریت توسعه، تهران: انتشارات صفا
- ۳۴) وحید، مجید (۱۳۸۸)، سیاست‌گذاری عمومی، نشر میزان
- ۳۵) وینر، مایرون (۱۳۵۰)، نوسازی جامعه، رحمت ا...مقدم مراغه‌ای، تهران: فرانکلین

- 36) Anderson, Joel Edward (1973). The Operational Belief System of Senator Arthur Vandenberg: An Application of the George Construct, University of Michigan.
- 37) Appelbaum, S.H&Roy-Girard, D.)2007). Tovins in the workplace: affection organizations and employees. Corporate Governance: the international journal of Business in society,7(1),19-
- 38) Brikland, T. (2014) An Introduction to Policy Process (2 Ed.), N. Y.: ME Sharp.
- 39) Cochean, C. and Malone, E. (۱۹۹۵) Public Policy: Prespectives and Choices, New York: MacGra Hill. Peters, B. G. (۲۰۰۴) American Public Policy: Pomise and Performance (۷ Ed.) N. Y.: CQ Pres
- 40) Cohen; James G. March; Johan P. Olsen. Administrative Science Quarterly, Vol. 17, No. 1. (Mar., 1972), pp. 1-25. Stable URL ...
- 41) David C. McClelland, (1996), The Achieving Society, The Free Press, New York
- 42) Decision-making Processes in Administrative”, New York: The
- 43) Duncombe, Stephen (2002). Cultural Resistance Reader. Landon and Newyork: verso.
- 44) Dye. T. (2013). understanding public policy. Pearson Education. Inc.
- 45) Dyson, Stephen Benedict and Thomas Preston (2006). “Individual Characteristics of Political Leaders and the Use of Analogy in Foreign Policy Decision Making”, Political Psychology, Vol. -7, No. Pp. -65—88
- 46) Goldstein, Judith and Robert o. keohane (1993). Ideas and Foreign Policy: Beliefs, Institutions, and Political Change; Cornell University Press.
- 47) Goulet, D., (1992), Development: Creator and destroyer of Valuse, world Development, p75.
- 48) Hagen, Everett, (1992), On the Theory of Social Change, Homewood, Dorsey Press
- 49) Holsti, Ole R (1996-).”The Belief System and National Images: John Foster Dulles and the Soviet Union”, Stanford University.
- 50) Inkeles, A. & Smith, DH. (1979). Becoming Modern: Individual Change in Six Developing Countries, Cambridge, MA: Harvard University Press. International Studies Quarterly, Vol. 4, No. 3. PP. 403-433.
- 51) Jervis, Robert (1976). Perception and mis perception in international politics, Princeton University Press, - edition
- 52) Maitlis, Sally. Ozcelik, Hakan (2004). Toxic Decision Processes: A Study of Emotion and Decision-making Processes in Administrative”, New York: The
- 53) Melser. Derek. (2004), The Act of Thinking, The MIT Press.

- 54) North, Douglass c. (2003). Effect of institution on market performance, federal communication commission, washington, USA.
- 55) North, Dougleaa c. (2003), understanding the process of Economic change, institutional barriers to Economic change: cases considered
- 56) Palsane, M.N & Sharma, s. (1989). Study habits inventory.
- 57) Renshon, Jonathan & Stanley A. Renshon (2008). "The Theory and Practice of Foreign Policy Decision Making", Political Psychology, Vol. -9, No. 4. PP. 509-536
- 58) Schafer, Mark & Stephen G. Walker (2012). "Democratic Leaders and the Democratic Peace The Operational Codes of Tony Blair and Bill Clinton", International Studies
- 59) Schumpeter, josephA. (2005), Development, journal of Economic Literature, Vol XLIII, P108-
- 60) scott, jamesc. (1990). Domination and the Arts of resistance: Hidden transcripts, London: yale university press
- 61) Simon, Herbert A. (1947), "Administrative Behavior: A Study of
- 62) Stein, Janice gross (2008). "Foreign policy decision- making rational, psychological, and neurological models", In Steve Smith, Amelia Hadfield und Timothy Dunne (Eds.),
- 63) Strauss., A & corbin, j. (1998). Basics of qualitative research: Grounded theory procedures and techniques. 2nded. Thousandoska, CA: sage publication.
- 64) thissen, A., W alker, E. (2013). Public policy analysis: New Developments. Springer
- 65) Winter, David G (2003). Personality and Political Behavior, In David Sears (Ed); Oxford handbook of political psychology